

گفت و گو با
مهندس محمد غرضی

ادبیات ضد تورمی من امروز حاکم شده است

هادی محمدی

وقتی در روز مانده به پایان ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری قدم به سالن ثبت نام گذاشت بسیاری از خبرنگاران جوانتر وی را نشناختند و من هم با تاملی چند دقیقه‌ای واز میان موی تمام سپید سر و رویش فهمیدم که مهندس غرضی پست و تلفن هم یاد ر عرصه میدان انتخابات گذاشته است. همان موقع که اتفاقاً زمان خوبی برای تحلیل‌های داغ انتخاباتی بود، بسیاری، شانس وی برای تایید صلاحیت را اندک می دانستند اما به واقع نسبت به بسیاری از مدعیان سیاسی که نام خود را در سیاهه انتخابات ریاست جمهوری ثبت کرده بودند با سابقه تر بود. استانداری خوزستان در بجنوبه سالهای آغاز جنگ و سپس وزارت نفت در همان سالهای بحرانی نبرد نفتکش‌ها، انهدام سکوها و تحریم های نفتی و سرانجام تصدی ۱۶ ساله وزارت پست و تلگراف و تلفن که بیش از پیش‌اورا چهره رسانه‌ها از جمله گل آقا ساخت، همگی رزومه‌ای پر بار را نشان می داد که شورای نگهبان را قانع نمود تا نام سید محمد غرضی را نیز در میان ۸ کاندیدای نهایی قرار دهد. به نظر می رسد غرضی باید دوران زندگی سیاسی خود را به دو نیمه قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ تقسیم کند، چرا که دیگر مردم وی را به نام کاندیدای ضد تورمی می شناسند که همه چیز را از این دریچه می نگرد. در گفتگویی که با وی داشتم غرضی همه دولت‌های بعد از انقلاب را ناموفق در عرصه افزایش قدرت سیاسی انقلاب دانست و البته حساب خود را نیز با گفتن این جمله که «من به دولت‌ها تحمیل شدم» جدا کرد. غرضی او با ما را محتاج ایران در توافق ژنو می داند و ضمن انتقاد از نحوه توزیع سبید کالا، بهترین یارانه را یارانه غیر نقدی که آثار تورمی ندارد قلمداد می کند.

آقای مهندس برای شروع می خواستم بفرمایید که چه انگیزه‌ای برای ورود به انتخابات ریاست جمهوری داشتید؟
قطعا به دنبال پیروزی و رسیدن به این پست نبودید. چه عاملی باعث شد که شما مثل بسیاری دیگر، این تکلیف را احساس کنید؟

من در یکی دو سال آخر دولت دهم احساس کردم که روحیه کشور بسیار ضعیف است و رسانه‌های بیگانه و ضد انقلاب هم دل مردم را خالی می کنند و مدعی می شوند که بیشتر از ۲۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت نمی کنند. در این میان همه گروه‌های سیاسی و مطبوعات هم تحت تاثیر این جریان‌ات روحیه خود را از دست داده بودند و همه یادشان رفته بود که ۹۸/۲ درصدی وجود داشته است. حتی من فکر می کردم که اگر ۱۰ یا ۲۰ میلیون در انتخابات شرکت کنند ممکن است آمریکایی ها به سمت جنگ و گزینه نظامی بروند. این اصلی ترین عامل برای ورود من بود و گفتم واجب است که من بروم و این حرف را بزنم که آن ۹۸ درصد هنوز باقی است و اگر دولت‌ها اقدامات ناموفقی داشتند مربوط به خودشان است و نه انقلاب. خواستم پیشنهاداتی بدهم تا دولت‌ها استعداد بیشتری داشته باشند و بر این اساس بود که توسعه جمهوریت و اسلامیت را مطرح کردم و این تفاوت را میان دولت‌ها و انقلاب بیان کنم.

آیا شما مشاوران ویژه یا تیمی که به شما کمک کند داشتید یا این حرف‌ها و تصمیم برای ورود نظر شخصی خودتان بود؟
خیر، من نه حزب و نه گروه و نه مشاوره داشتم و دارم. ما آدم های ساده همین جامعه بودیم و ادعایی هم نداشتیم. من تنها گزارشی دادم که چگونه بودیم و چگونه شدیم و چرا این وضعیت بد ایجاد شده بود.

فکر می کردید نسبت به دوره آقای هاشمی که شما وزیر بودید، اوضاع خیلی بد تر شده بود؟
من ۴ دولت مهندس موسوی و آقای هاشمی و آقای خاتمی و آقای احمدی نژاد را بسیار ناموفق می دانم.
البته خودتان هم در دو دولت موسوی و هاشمی وزیر نفت و پست و تلگراف بودید. آیا سهمی از این عدم موفقیت به عملکرد شما ارتباط دارد؟

من در دولت‌هایی که بودم، کارهایی که خودم انجام دادم حساب جدایی دارد. مثلا من ۴ سال وزیر نفت بودم و حدود ۱۲۰ میلیارد دلار برای دولت در آمد کسب کردم و دولت اداره شد. بعد که من از وزارت نفت رفتم، درآمد‌های پایین آمد و دولت مهندس موسوی در ۴ سال دوم گرفتار مخارج کشور شد و بالاخره خانه نشینی را انتخاب کرد. یا مثلا در مورد دولت هاشمی، من دولت ایشان را لیبرال می دانم چون دائما به دنبال سرمایه‌های خارجی و بانک و بیمه بود. من آنچه در عمر وزارت خود انجام دادم، اعم از توسعه شبکه‌های نفت، گاز، پست و مخابرات و در نظام مهندسی، هرگز از جیب دولت خرج نکردم و باعث هیچ تورمی هم نشدم. بلکه باتکیه به سرمایه‌های مردم دهها هزار میلیارد تومان از مردم گرفتم و خرج کردم و کارهایی کردم که ضد تورمی بوده است. حالا هم اعتقاد دارم کشور آن قدر توانمند است که بتواند دولت‌های بدون تورم را تشکیل دهد. لذا نقد من به دولت‌های گذشته فیزیکی و در حوزه های عمرانی نیست که می تواند مثبت یا منفی باشد اما در کمک به انقلاب و افزودن قدرت سیاسی کشور موفق نبودند. یعنی کار عمرانی کفایت کار سیاسی نمی کند و باید طوری انجام شود که به انسجام ملی و حکومتی و ارتقای سطح قدرت سیاسی کشور منجر شود. وقتی کار فیزیکی باعث تورم زیاد و جدایی ملت و انقلاب می شود انجام ندادن آن بهتر است. در این دولت‌هایی که ملاحظه کردید، اکثر کارهای فیزیکی کردند که خیلی مقبول جامعه نبود و همین ضعفها ممکن بود که باعث عدم حضور مردم در انتخابات شود و احساس تکلیف کردم که بیایم و حرف خود را بزنم. برای همین من انگیزه خاص قدرت طلبی نداشتم و در مناظره هم سعی کردم که کلمه منفی نگویم و به دنبال ارتقای سطح بحث‌ها بودم.

بحثی که در زمان انتخابات شکل گرفت این بود که شما با سابقه همکاری با آقای هاشمی داشتید به نوعی وابستگی به ایشان دارید. آیا این مطلب درست است؟ و اینکه شما با ایشان یا سایر بزرگان نظام برای ورود به این

